

تورنتو

دانشجوی شهید حادثه پرواز اوکراین، امیرحسین قربانی

به قلم محمد علی جعفری





انتشارات روایت فتح

هرگونه بهره‌برداری متنی، صوتی، تصویری و نرم‌افزاری
(شبکه‌های اجتماعی، پادکست و ...) از کل اثر مجاز نیست
(استفاده تبلیغی و ترویجی کوتاه بلامانع است).

تور تورنتو

دانشجوی شهید حادثه پرواز اوکراین
امیر حسین قربانی به روایت پدر
به قلم محمد علی جعفری

نویسنده: چاپ: یازدهم، ۱۴۰۳، شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

ویراستار: لیلی زهدی

طراح جلد و گرافیک: مهدی آریان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳-۶-۸

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

در این کتاب املاي واژگان و دستور خط فرهنگستان زبان و ادب فارسي است.
حقوق چاپ و نشر برای روایت فتح محفوظ است.

جعفری، محمد علی، ۱۳۶۶ -

تور تورنتو: دانشجوی شهید حادثه پرواز اوکراین، امیر حسین قربانی به روایت پدر
به قلم محمد علی جعفری؛ ویراستار لیلی زهدی. نوبت چاپ: چاپ بان. چاپ اول: ۱۴۰۰.
تهران: انتشارات روایت فتح، ۱۴۰۳، ۱۴۱ ص: مصور (رنگی).

ISBN 978-600-30-602-8

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: قربانی، امیر حسین، ۱۳۷۷-۱۳۹۸.

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

Persian fiction -- 20th century

رده‌بندی کنگره: PIR۸۳۳۹

رده‌بندی دیویی: ۸۵۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۸۶۲۲۳

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

دفتر: ۸۸۸۰۹۷۴۸، فروشگاه: ۸۸۸۹۷۸۱۴، پخش: ۸۸۸۵۳۹۰۸

نشانی: تهران، میدان فردوسی، خیابان شهید سپهبد قرنی، شماره ۱۶

www.revayatfath.ir

❖ مقدمه نویسنده

حبیب دل فقط خداست

جنگ همیشه زیر لایه‌های این خاک رآب جاری است. نبرد شکوهمند حق و باطل. حتی اگر ندانی. حتی اگر باور نداشته باشی. برایت سخت باشد. در این میانه، عده‌ای خود خواسته می‌شوند رزمنده. دفاع مقدس، مدافع حرم، وطن و سلامت. روزگاری با این جماعت بُر خورده و روایتشان کرده بودم.

اما دست روزگار برگ جدیدی از مظلومیت را رو کرد. اتفاق که جنس غربی داشت. حادثه پرواز اوکراین. عده‌ای که در مسیری افتاد بودند؛ نه برای مبارزه، نه برای دفاع. بی‌هوا و ناباورانه پر کشیده بودند.

نمی‌توانم بگویم این کتاب حاصل چند ساعت مصاحبه است. نه که نتوانم. قابل محاسبه نیست. جلوی مادری می‌نشستم که بعد از دو سال، هنوز رخت عزاتنش بود؛ پدری که بغض گلو اجازه نمی‌داد لب از لب بردارد. انگار همین دیروز خبر را شنیده‌اند. همین قدر تازه. همین قدر داغ. همین قدر داغدار.... زنگ زدم به پیاده‌کننده مصاحبه‌ها. جلو جلو عذرخواهی کردم که این

صوت‌ها، اصلاً شبیه صوت مصاحبه‌هایی نیست که قبلاً شنیده‌ای. بین آن‌ها صدای گرومپ گرومپ بلند می‌شد، صدای جیغ، صدای گریه و گاهی تا مدت‌ها صدای سکوت. گل‌گلش، زمان‌هایی بود که هیچ‌کس حسابی روی آن باز نمی‌کند؛ سر سفره. پای سینی چای. زیر درختان باغ دره سیر.

چاره‌ای جز این نبود. باید با این پدر و مادر زندگی می‌کردم. چنته‌ام خالی می‌ماند، اگر می‌خواستم خیلی رسمی کلید پلی رکورد را بزنم و بگویند و بشنوم. اوکیشن‌های مختلفی را امتحان کردم؛ یزد، تفت، بهاباد، دره سیر. جان به جانم می‌ریخت تا یک ذره امیر حسین‌شان را نشانم بدهند. عاقبت تصویرها را کاسه کردم؛ همه از زبان پدر. بی‌اضافه و گزافه... بساط تور تورنتو این‌طوری به پا شد.